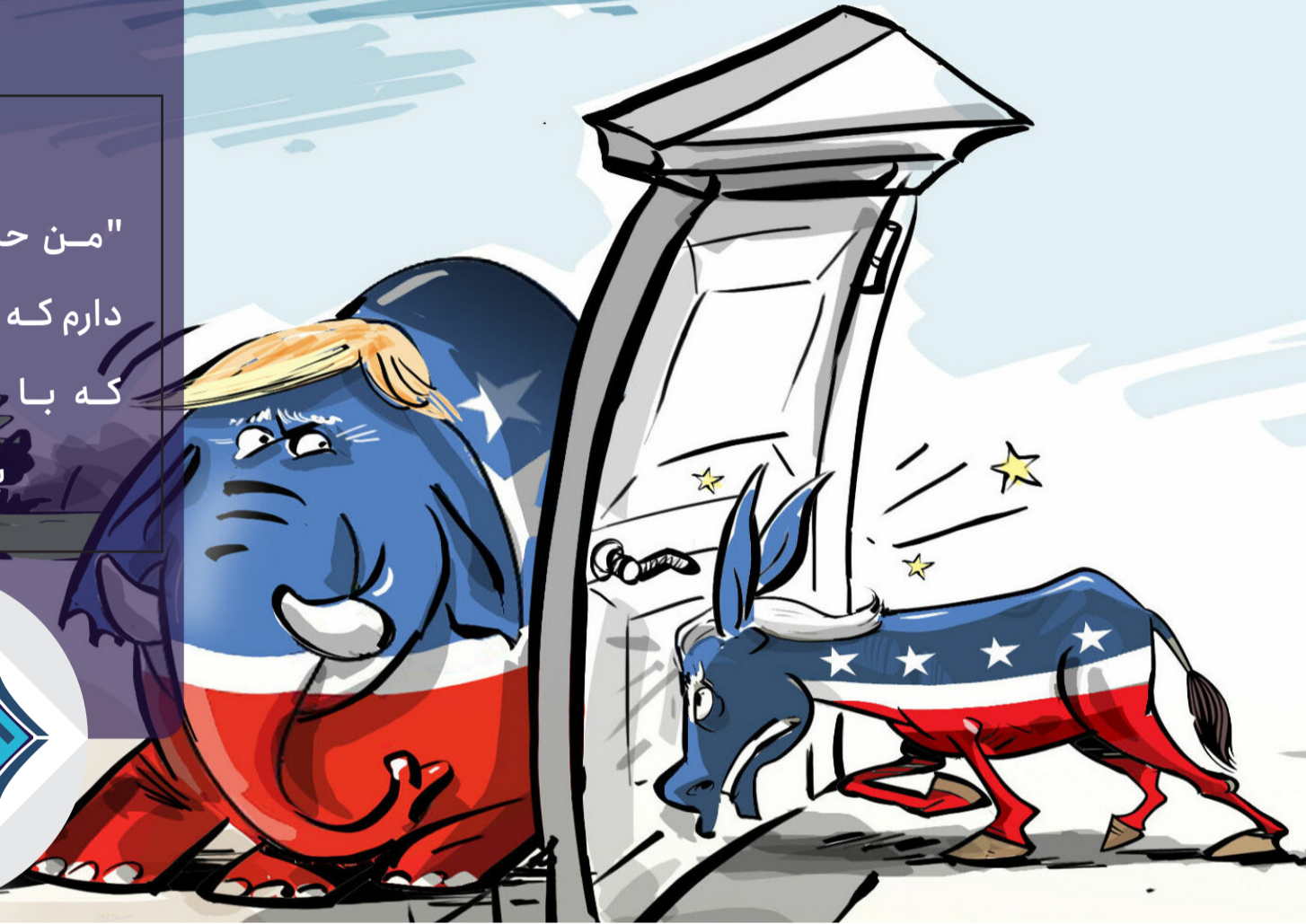


نشریه أسوه

دوهفته نامه سیاسی-مذهبی هیئت عاشقان ثارالله دانشگاه علوم پزشکی تبریز

"من حسینه‌ای را قبول دارم که قهرمانانی بی‌رورد که با دشمن اسرائیلی بجنگند."



فتنه ۲۰۲۰

سید محمد صادقی
دانشجوی پزشکی

فهرست

صلح تحمیلی یا
نرمش قهرمانانه؟

صفحه
۵۲

دنیای سوفی (قسمت اول)

غرفه کتاب

صفحه
۵۳

راننده تاکسی؛
کهن الگوی آناژنی

صفحه
۵۴

چون بسی ابلیس

آدم روی هست

سبک زندگی اسلامی

صفحه
۵۶

دقیقاً کی قرار است خداحافظی کنند و به همان گوری که از آن آمده‌اند بروند! از تمام این ماجرا که بگذریم می‌رسیم به طرفداران پروپاقرص ترامپ. شیوخی که با حماقت خود برای کمک به ترامپ حاضر شدند چند ماه مانده به انتخابات آمریکا روی وی قمار کنند و حالا با روی کار آمدن دموکرات‌ها می‌فهمند که سزای دم تکان دادن قبل از انتخابات چیست. البته اغراق در میزان پاسخ دموکرات‌ها به این رفتارهای کودکانه شیوخ عرب منطقه نیز کار درستی به حساب نمی‌آید. به طور مثال عده‌ای از مخالفان بن‌سلمان فکر می‌کنند که بایدن قرار است فقط به خاطر تکه‌تکه کردن یک خبرنگار و حمایت‌های بی‌شمار وی از ترامپ، او را از ولیعهدی کنار بزند. این طرز فکر آن‌ها بیشتر شبیه رویاپردازی است تا واقعیت؛ زیرا هرکسی می‌داند در آمریکا روندها بر افراد

از دست داده بود و مقاومت ارمنستان داشت به ثمر می‌نشست که به یکباره پاشینیان با آتش بس اعلام موافقت نمود. از طرف دیگر آذربایجان هم به خواست خود برای بازگشت کامل قره‌باغ نرسید. ترکیه هم به مانند خرمگس معرکه وزوزی کرد و رفت. اما در این میان، روسیه را می‌توان تنها برنده جنگ دانست که به تمام خواسته‌های خود رسید. هم دولت غرب‌گرای ارمنستان را گوشمالی داد، هم کنترل بخش‌های مهمی از قفقاز را به شکل نظامی به دست گرفت. هم توانست قبل از روی کار آمدن بایدن (که در دهه‌های گذشته رابطه خوبی با لابی‌های ارمنی مقیم ایالات متحده داشته است) کار را فیصله دهد. ماند ایران که به لطف چابکی وزارت امور خارجه و سایر مسئولین، ضرر اقتصادی زیادی متحمل شد. البته بحث‌های امنیتی که جای خود دارد و معلوم نیست این چند صد تکفیری که برای آذربایجان جنگیدند

انتخابات آمریکا همچون گذشته با انواع و اقسام حرف‌وحديث‌ها رو به اتمام است. برای اولین بار کسی رئیس‌جمهور شده که اکثر کشورهای دنیا پیش‌بینی موفقیت وی را نمی‌کردند. چین بعد از تحمل ۴ سال آزار و اذیت بالاخره از دست یک موجود احمق راحت شد و حالا می‌تواند با خیال خوش به نظاره بنشیند که چگونه همه چیز به نفع او تمام می‌شود. غرب‌گرای ایرانی نیز کورسوی امیدی برای پیروزی در انتخابات سال آینده پیدا کرده‌اند به امید آنکه دوباره بتوانند با شعارهای رنگارنگ، عوام‌فریبی کنند. اما ماجرای همسایگان ما خیلی متفاوت است. در شمال‌غرب (که تا همین چند روز پیش یک جنگ چندملیتی برای قره‌باغ در جریان بود و از پاکستان تا رژیم صهیونیستی در آن حاضر بودند) به یک شب اعلام آتش‌بس شد. بر اساس تخمین‌ها آذربایجان ۴۰ درصد از قوای تهاجمی خود را



” صلح تحمیلی

یا نرمش قهرمانانه؟

“

داوود قوی

دانشجوی ارشد ژنتیک



در دوران امام حسن جریان مخالف چنان رشد کرد که به اوج قدرت خویش رسید و معاویه بن ابی سفیان معارضه را تا آنجایی ادامه داد که به عنوان یک مانع پیش روی جریان حکومت اسلامی ظاهر شد و امام را وادار به صلح نمود؛ صلحی که صد در صد بر استدلال و منطق استوار بود. صلحی که پرشورترین و غیرتمندترین خاندان رسول الله یعنی امام حسین نیز در آن شریک گردید. یعنی شهادت طلبی که با شرایطش همراه نشود و در جایش نباشد، اسمش شهادت نیست.

آزمونی برای شماست... بنابراین در زندگی و کلمات ایشان، این معنی واضح است که حضرت در انتظار آینده‌ای است تا حکومت ناحق کنار رود و به اهل بیت بازگردد. منتها نتیجه به این بزرگی کی حاصل می‌شود؟ وقتی مردم، مقدماتش را با اراده و تصمیم خودشان فراهم کرده باشند. اما کاری که به عهده مردم و خواص بود، انجام نگرفت. حتی همان‌هایی که بعد به کربلا آمدند و همراه با امام حسین جنگیدند، در زمان مسلم کاری که باید می‌کردند، نکردند و این نکردن‌ها، موجب شد حادثه کربلا پیش بیاید.

اگر امام حسن صلح را نمی‌پذیرفت و جنگ را ادامه می‌داد، به احتمال قوی به دست اصحاب تطمیع و تهدید شده خودش کشته می‌شد. همچنین باعث شهادت امام حسین، خاندان پیامبر و سایر اصحاب برجسته می‌گردید و دیگر کسی باقی نمی‌ماند تا حافظ ارزش‌های اصیل اسلامی و تشیع باشد. با این شرایط حضرت نه تنها از اسلام دفع خطر می‌نماید بلکه مفادی را قرار می‌دهد که پایه کار معاویه را نیز متزلزل می‌کند؛ «و مَكْرُوا وَ مَكْرَ اللّٰه» از طرف دیگر حضرت در مقابل نكوهش‌های نادانان و ناآگاهان، می‌فرمودند: چه می‌دانی و از کجا می‌دانی، شاید این

در ادامه کتاب انسان ۲۵۰ ساله از یک دیدگاه تازه صلح امام حسن را واکاوی می‌کند، چرا که این حادثه را یکی از تعیین‌کننده‌ترین حوادث در کل جریان اسلام و تاریخ اسلام می‌داند. در واقع خلاصه این صلح عبارت است از تبدیل جریان خلافت اسلامی به سلطنت ولی مهم‌تر از آن، این است که مشخصات این دو خط چیست؟ روش جریان باطل برای دست گرفتن قدرت و تسلط بر جامعه چه بود؟ روش‌های جریان حق برای مقاومت در مقابل جریان باطل چه بود؟ چه شد که جریان حق شکست خورد؟ گروه غالب با

و چه امروز، لحظه‌ای از هدف تشکیل حکومت و تمدن الهی درنگ نکرده است و اگر شرایط سیاسی و تاریخی، رهبر جامعه را وادار به تصمیمی متفاوت می‌کند، این مردم هستند که ایشان را در چنین تنگناهایی قرار می‌دهند. با این وجود امام باز هم با کمک قطب‌نمای الی‌الله، پاسخ درست را صادر می‌نماید. پس با این مقدمه، اهمیتی ندارد اسمش را چه بگذاریم، مهم این است پاسخ صلحی که ما تحمیل می‌کنیم، نرمش قهرمانانه امام است!

گروه مغلوب با چه روشی رفتار کرد؟ رفتار گروه مغلوب در برابر گروه فاتح چگونه بود؟ این دو گروه چه سیاستی و استراتژی را انتخاب کردند و سرانجام کار چه شد؟ برای یافتن پاسخ این سؤالات می‌توانید به ۲۰ صفحه پرشکوه‌ترین نرمش تاریخ در بخش امام حسن مراجعه کنید...
حال پاسخ به یک سؤال مانده است؛ آخر صلح تحمیلی یا نرمش قهرمانانه؟ قبل از پرسش به این سؤال خوب است یک نکته را لحاظ کنیم؛ امام یک جامعه چه دیروز

ادامه ی سر مقاله

ترامپ است. او که تاکنون نتوانسته ننگ رئیس‌جمهور یک‌دوره‌ای بودن را بپذیرد هر روز به شائبه‌ها درباره احتمال هرج‌ومرج داخلی (و چه بسا جنگ) می‌افزاید و آمریکا را به یک قدمی پرتگاه خطرناکی برده است. حال باید منتظر ماند و دید که ترامپ چگونه قرار است کار را ادامه خواهد داد. او خوب می‌داند که در جهان امروز جان وی از هر سو در معرض تهدید است و افرادی بی‌شماری هستند که برای پایان دوره ریاست وی لحظه‌شماری می‌کنند.
خدا را چه دیدید شاید سال بعد هفت کفن هم پوسانده باشد...

مشکلات فراوان روبرو است مشخص نیست که چگونه خواهد شد. از سوی دیگر، با آشکار شدن دعوای خانوادگی اردوغان و استعفای داماد وی از وزارت دارایی یکی دیگر از گزینه‌های ریاست جمهوری حزب عدالت و توسعه که روی آن سرمایه‌گذاری بسیاری شده بود نیز از بین رفت. همچنین با این میزان از تزریق قومیت‌گرایی مشخص نیست روند اجتماعی جامعه‌ای که نسبت بالایی از جمعیت آن را کردها تشکیل می‌دهند به کجا خواهد کشید و فرجام این اعمال چه خواهد بود.
اما نباید از یاد برد کسی که در این میان ضرر اصلی را متحمل شده است خود دونالد

ترکیه است. این کشور در دو دهه گذشته با مدیریت اردوغان توانست به قطب اقتصادی خاورمیانه تبدیل شود اما طی سال‌های گذشته به دلیل پیگیری سیاست‌های نعثمان‌گرایانه، در جنگ‌های هزینه‌زایی شرکت کرد که این کشور را هر روز نسبت به گذشته در وضع وخیم‌تری قرار داد. اردوغان که فکر می‌کرد با انتخاب مجدد ترامپ می‌تواند از فرصت استفاده کند و قدرت خود را (هرچند برای مدتی کوتاه) افزایش دهد حالا با کسی روبرو شده است که از قدیم برای ترک‌ها شمشیر را از رو بسته است. وضع اقتصادی ترکیه که هر روز به دلیل بحران کرونا و کاهش درآمد صنعت گردشگری با

ارجحیت دارند و انتخاب ولیعهد بیشتر به پیشنهادات CIA و سایر سازمان‌های امنیتی وابستگی دارد تا نظر شخصی رئیس‌جمهور ایالات متحده. البته این مسئله از اصل ماجرای چابیده شدن کشورهای عربی به بهانه‌های مختلف نمی‌کاهد. کشورهای عربی این همه امتیاز به ترامپ دادند که شاید بتوانند بعداً منفعتی کنند ولی حالا کسی روی کار آمده که در دولت قبلی محل سگ هم به این‌ها نمی‌گذاشت. ان‌شاءالله که از این رفتار خود عبرت گرفته و آبروی خود را بیش از این به نبرند.
کشور جالبی که اگر در این عریضه، وضعیت آن ذکر نشود موجب نقصان کلام می‌شود



”گوشه‌ای برای تنهایی ام

دنیای سوفی (قسمت اول)

داوود قوی

دانشجوی ارشد ژنتیک

وانمی داشت حسرت می‌خوردم، کاش یک‌بار دیگر پرده‌ای که دنیای بزرگ کودکی را در چهار متری روزمرگی محصور می‌کرد، می‌یافتم. با این حال حس کردم چیزی در این کلمات هست که می‌تواند مسیر نور را نشانم دهد و کمک کند بار دیگر پرده‌ای که راه را بر خورشید بسته است، پیدا کنم.

دل می‌بندد! متأسفانه هنگامی به این پیام پی بردم که ۲۰ سال از آن می‌گذشت، بر روی یکی از صندلی‌های اتوبوس واحد نشستیم. انگشت خود را میان صفحات اول کتاب دنیای سوفی نگه داشته بودم و از پنجره به انتهای میدان چشمانم نگاه می‌کردم؛ از اینکه دیگر خشونت کوه‌ها و لطافت درختان مرا به تعجب

باشد، آیا واقعاً قرار است چند ده سال دیگر زندگی کنم، بعدش چه می‌شود و اگر خواب است پس بیداری چه شکلی است... انگار همه‌چیز آن خانه سر جایش بود و من به حضورشان عادت داشتم غیر از آن پرده، شاید هم مثل همه چیزهای زشت قرار بود هشدار می‌دهد؛ مراقب کودکی‌ات باش وگرنه رفته‌رفته چشمانت حس کردن را کنار می‌گذارد و به دیدن

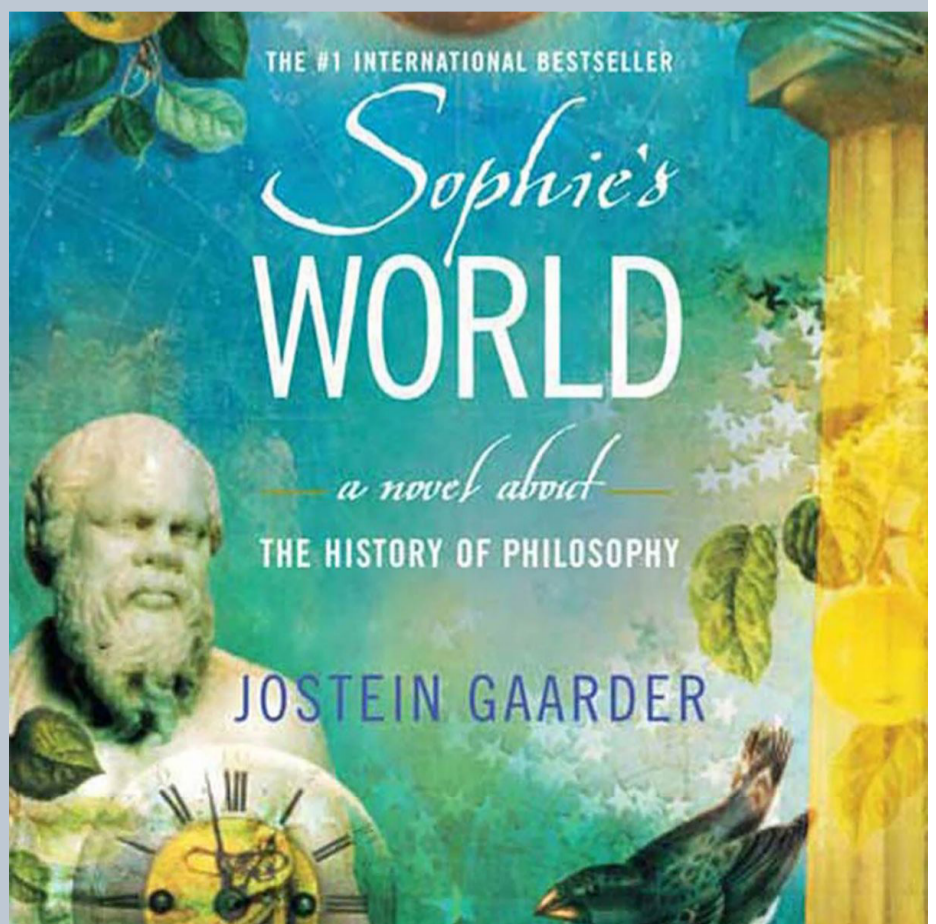
خانه ما آن قدری بزرگ نبود که یک اتاق برای خودم داشته باشم، برای همین پرده‌ای وسط حال نصب کردیم و پشتش شد دنیای خصوصی یک کودک ۸ ساله. هرگاه می‌خواستیم تنها باشم، دست به دامن این پرده کرم‌رنگ می‌شدم. وقتی به زمینه چرک و گل‌های نارنجی بدقواره‌اش نگاه می‌کردم، این فکر به سرم می‌زد نکند همه این دنیا خواب

امروز فقط یک نامه در صندوق بود و آن هم به نام سوفی. روی پاکت سفید نوشته شده بود: «سوفی آموندسن، شماره ۳ کوچه کلوور» و دیگر هیچ، نمی‌گفت از کیست، تمبر هم نداشت. در را که بست، پاکت را باز کرد. تکه کاغذی به اندازه خود پاکت درون آن بود، روی آن نوشته شده بود: تو کیستی؟ همین و بس، فقط دو کلمه دست‌نوشته و علامت سؤال بزرگی به دنبالش...

از دست می‌رود. به خصوص برای کسی که یک‌بار نیز از کفش داده باشد. بالاخره وقتش رسید... بووووم، به چشم برهم زدن مرا بیرون کشید و غرق در رایحه خنک خلقت نمود؛ دقیقاً چنین پایان باشکوهی! مو بر تنم سیخ شد، بلافاصله از خانه بیرون رفتم و چند ساعت بر پهنه افکارم قدم زدم. شاید هم از اینکه دوباره پرده زشت و دوست‌داشتنی‌ام را پیش رو داشتم، هیجان‌زده بودم!

«ادامه دارد...»

هرچه به پایان کتاب نزدیک می‌شدم، لحظه موعود را بیشتر حس می‌کردم اما اثری از آن نمی‌دیدم. تصور کنید از کودکی، درون استخری افتاده و با دنیای کوچک و بی‌رنگ آن خو گرفته بودم، پاک فراموش کرده بودم بالای سرم چه خبر است. ولی حال با ورق زدن این کتاب، دستی از روی آب به من نزدیک و نزدیک‌تر می‌شد تا مرا از آن دنیای مرده نجات دهد. با این وجود تا صفحات پایانی نیز داخل آب نمی‌آمد، انگار می‌دانست چیزی که راحت به دست بیاید، راحت هم





«راننده تاکسی»؛

کهن الگوی آنارشی

هادی پایدار

دانشجوی پزشکی

نامزد انتخابات ریاست جمهوری است، می‌شود. تراویس به بهانه داوطلب شدن وارد می‌شود تا با بتسی گفتگو کند و او را به قهوه دعوت کند. با وجود اینکه بتسی در ابتدا از روی کنجکاوی به شخصیت تراویس علاقه‌مند می‌شود، به علت عدم رفتار مناسب از سوی تراویس، او را رد می‌کند. پس از ناامید شدن از بتسی، روند فروپاشی روانی که در تراویس آغاز شده بود، سرعت می‌گیرد. صحنه‌ای که تراویس پس از گفتگو با بتسی ناامید می‌شود یکی از شاهکارهای کارگردانی در سینماست.

«راننده تاکسی» یا «Taxi driver» به گمان بسیاری از منتقدان سینمایی و فیلم‌سازان، یکی از برترین آثار سینمای جهان در طول تاریخ بوده است. فیلم وجوه بسیاری برای بحث دارد اما در این مقاله به مقتضای شرایط نشریه و به بهانه ایام کارزار انتخابات آمریکا و بحث‌های متعدد پیرامون نتیجه آن و همچنین آشوب‌ها و اغتشاشاتی که به تبع آن در جامعه آمریکایی شکل گرفت، قصد داریم به جنبه‌هایی از فیلم که روح هرج و مرج طلبی در آن موج می‌زند بپردازیم. ذکر نکته‌ای حائز اهمیت است که اتمسفر کلی فیلم حاوی زندگی پر از تباهی و فساد مردم شهر نیویورک و به واقع پرتیره‌ای از ظهور فحشا و تبعیض در این جامعه است که در این میان شخصی به نام «سناتور چالز پلنتاین» به عنوان کاندیدای ریاست جمهوری معرفی می‌شود که ظاهراً قصد دارد مردم را از این فلاکت نجات دهد.

تراویس بیگل (رابرت دنیرو) شخصیت اصلی این فیلم جوان ۲۶ ساله تنها و افسرده و عضو سابق نیروی دریایی ایالت متحده است که به تنهایی در نیویورک زندگی می‌کند. وی از بی‌خوابی مزمن رنج می‌برد، برای فرار از بی‌خوابی شغل تاکسی‌رانی در شب را انتخاب می‌کند و بیشتر با جنایت‌ها در سطح شهر نیویورک آشنا می‌گردد. فیلم پر از صحنه‌هایی است که به درستی فضای تاریک و لبریز از فحشا را در کف خیابان‌های نیویورک به نمایش می‌گذارد. در این میان تراویس شیفته بتسی که یکی از داوطلبان حاضر در دفتر انتخاباتی سناتور چالز پلنتاین که





«مارتین اسکورسیزی» کارگردان فیلم، برداشتی از تراویس در کنار باجه تلفن به ما می‌دهد و سپس، همین که دختر جواب رد به او می‌دهد، دوربین به آرامی با حرکتی استادانه - که از آن در سینما به نام دالی (Dolly) یاد می‌شود - به سمت راست هدایت می‌شود و یک نمای دور و خالی از یک راهرو نشان داده می‌شود که نمایانگر لغزش تراویس و الهام‌بخش شروع حرکتی به غایت آنارشیستی از این شخصیت است. بدین ترتیب تراویس بنا را بر این می‌گیرد که با خشونت جلوی فساد را بگیرد و جامعه‌ای را که برای دفاع از آن در جنگ ویتنام شرکت کرده است را، دوباره نجات دهد. در همین راستا، او تمرینات بدنی را آغاز می‌کند و تعدادی اسلحه از یک دلال سلاح‌های غیرمجاز می‌خرد.

در یکی از صحنه‌های فیلم، دختری به نام ایریس سوار تاکسی می‌شود که به نظر می‌رسد از دست مردی که قصد آزار و اذیت جنسی او را دارد فرار می‌کند. وی از تراویس می‌خواهد هرچه سریع‌تر از آنجا دور شوند، اما تراویس با بی‌حالی، حرکتی انجام نمی‌دهد تا اینکه مرد فرامی‌رسد و ایریس را با خشونت بسیار از آنجا می‌برد؛ همین اتفاق باعث عذاب وجدانی در روح تراویس می‌گردد و او بعدها سعی در پیدا کردن ایریس و نجات او از دست مردان تبهکار می‌کند.

در این حین تراویس علاقه خاصی به دنبال کردن اخبار مربوط به سناتور پیدا کرده است. این علاقه به طرز خاصی

عنوان شهروند نمونه معرفی می‌شود که تمایلات تندرو و خشونت‌طلبانه دارد. او در پایان فیلم به حدی مورد ستایش جامعه غفلت‌زده و خفته آمریکا قرار می‌گیرد که در ذهن مخاطب این واقعیت را زنده کند که هر حرکت علیه حکومت لیبرال دموکراسی به پا خیزد به قطع و یقین در نطفه خفه خواهد شد و یارای قدرت‌نمایی نخواهد داشت. این روایت فرضی در فیلم، از سال ساخت آن تاکنون، واقعیتی غیرقابل انکار پیدا کرده است. داستان‌هایی این چنین نشان می‌دهد جامعه آمریکا تاب تحمل نظام حکومتی چنین استبدادی را که با حجاب‌هایی از جنس دموکراسی و اومانیسیم پوشیده شده، ندارد و روزی این میوه کرم‌خورده تماماً پوسیده خواهد شد.

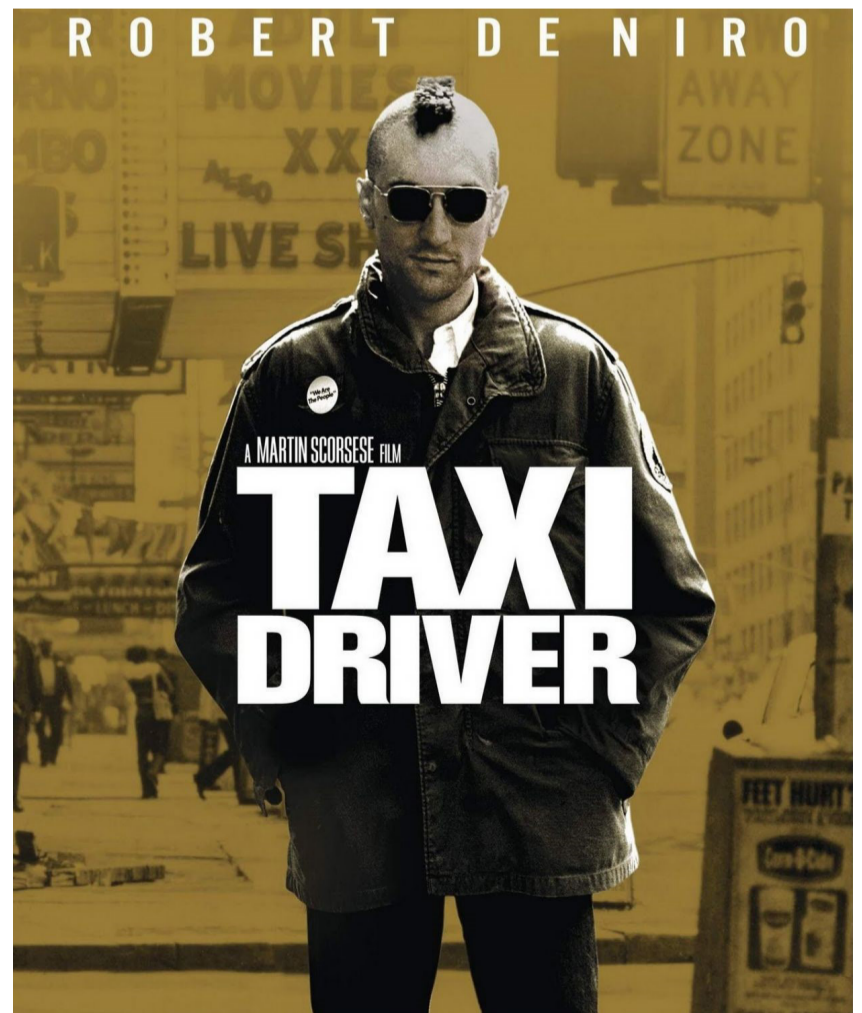
ممکن است در ذهن خواننده این سطور تصویری ایجاد گردد که دلیل اصرار چندباره نگارنده به نگارش مقالاتی پیرامون آنارشیسم و آشوب و طغیان در قلب جامعه آمریکایی (پس از مقاله «جوکر و آنارشیسم کور») چه می‌تواند باشد؟ به راستی بررسی موشکافانه مسائل داخلی نظام استکباری به خصوص در لایه‌های عمیق فیلم‌های هالیوودی چه سود و منفعتی برای یک شهروند جمهوری اسلامی دارد؟ سخن را با پاراگرافی تأثیرگذار از شهید آوینی به پایان می‌رسانیم، چه‌بسا پاسخ سؤال‌های مذکور را در لابه‌لای این جملات بیابیم.

«من در فروپاشی تمدن غرب بیشتر به تحول درونی غربی‌ها امیدوارم تا جنگی رودررو که میان شرق و غرب و یا اسلام و غرب روی دهد. چنین جنگی لامحاله روی خواهد داد، اما غرب از درون خواهد پوسید و در خود فرو خواهد ریخت و چون عقربی در محاصره آتش، خود خویشتن را نیش خواهد زد و خواهد کشت.»

قسمت پایانی فیلم با نشان دادن تراویس (که در حال گذراندن دوران نقاهت خود است) در حال خواندن نامه‌ای که پدر و مادر ایریس در آن از او به عنوان قهرمان و منجی دخترشان تشکر کرده‌اند، شکل می‌گیرد.

مفاهیم بسیار عجیبی از ساختار فیلم‌نامه و محتوای کلی فیلم به دست می‌آید. فیلم نمونه‌ای بسیار گویا از تعمیم شرایط ناپهنجار اخلاقی یک فرد به کل جامعه است. به واقع روح آنارشیستی شخصیت اصلی فیلم در حد اعلی است. تراویس که زخم‌خورده جنگ ویتنام است و سال‌ها چنین پنداشته که برای نجات مردم کشورش خون می‌دهد، با تماشای صحنه‌های اسف‌بار از نیویورک، خونس به جوش می‌آید و تصمیم به حرکتی در جهت اصلاح وضع موجود دارد. او مدام برنامه‌های تبلیغاتی سناتور را پیگیری می‌کند اما به نظر می‌آید نه تنها هیچ امیدی به عملی شدن قول‌های انتخاباتی او ندارد، بلکه برعکس، او را منشأ در فساد حاصل در جامعه می‌داند. در نتیجه تنها راه چاره را در یک اقدام می‌بیند: حرکتی ضد فساد اخلاقی سازمان‌یافته که چه‌بسا از طرف حکومت برای کنترل مردم گماشته شده است، اما به صورتی کاملاً خشن و هرج‌ومرج‌طلبانه. او تمام مقدمات کار را آماده کرده است و با هدف ترور سناتور به سمت اجتماع تبلیغاتی وی رهسپار می‌شود؛ اما چنان که در فیلم می‌بینیم در این امر شکست می‌خورد. به نظر می‌رسد داستان فیلم اشاره‌ای کنایه‌آمیز به بازی سرنوشت دارد. تراویس در حالی به عنوان قهرمان توسط رسانه‌ها مورد تشویق قرار می‌گیرد که اگر کمی در تلاش اولیه خود موفق‌تر می‌بود به عنوان قاتل روانی سناتور شناخته می‌شد. به همین صورت کسی به

تهدیدآمیز است و به نظر می‌آید که تراویس سناتور را به گونه‌ای در شکست عشقی خویش دخیل می‌بیند. در نهایت نیز تراویس در یکی از گردهمایی‌های تبلیغاتی سناتور به‌طور مسلح و به قصد ترور سناتور حضور پیدا می‌کند. منتها پس از شناسایی شدن توسط مأمورین امنیتی فرار کرده و به آپارتمان خود برمی‌گردد. پس از این اقدام نافرجام، به خانه‌ای که ایریس در آن کار می‌کند می‌رود و با سلاح‌هایی که خریده است با افراد حاضر در آنجا درگیر می‌شود. این درگیری‌های خشونت‌آمیز در نهایت به کشته شدن سه نفر و زخمی شدن تراویس می‌انجامد.





چون بسی ابلیس آدم روی هست ...

سید محمد موسوی
دانشجوی علوم آزمایشگاهی

چون بسی ابلیس آدم روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست

«دوستی» کلمه ارزشمندی است و هرکس را نمی‌توان «دوست» نامید. پس این طور نیست که هرکس به انسان لیخندی زد و ادعای دوستی و رفاقت نمود، لایق عنوان ارزشمند «دوست» باشد، بلکه دوست خوب و شایسته، صفات و ویژگی‌هایی دارد. پیشوایان دین در کنار تأکید بسیار بر دوست‌یابی ویژگی‌های متعددی نیز برای دوست خوب برشمرده‌اند. در اینجا به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

همسان بودن

اساس ایجاد دوستی میان دو فرد سن، عقل، جنسیت و... است. گاهی دو نفر انسان یکدیگر را جذب می‌کنند و دلشان می‌خواهد با یکدیگر دوست شوند. این رمزی دارد رمزش سنخیت است. اگر بین این دو مشابهتی نباشد همدیگر را جذب نمی‌کنند. مثنوی می‌گوید: حکیمی زاغی را دید که با لک‌لک طرح دوستی ریخته با هم می‌نشینند و با هم پرواز می‌کنند. دو مرغ از دو نوع؛ زاغ نه قیافه‌اش و نه رنگش با لک‌لک شباهتی ندارد. تعجب کرد که زاغ با لک‌لک چرا؟ نزدیک آن‌ها رفت و دقت کرد، دید هر دو تا لنگند.

الصَّاحِبُ كَالرَّقْعَةِ فِي الثَّوْبِ فَاتَّخِذْهُ
مُشَاكَلًا

دوست همانند وصله جامه است پس آن را هم‌شکل و همسان با خود برگزین

ایمان

دوستی باید بر اساس ایمان باشد. قرآن می‌فرماید:

إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

در حقیقت بسیاری از شریکان به یکدیگر ستم روا می‌دارند، مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند.

تقوا

الأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ

در آن روز دوستان، بعضی دشمن بعضی دیگرند، مگر پرهیزگاران.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

اطْلُبْ مُوَاحَاتِ الاتَّقِيَاءِ وَ لَوْ فِي ظِلْمَاتِ الارضِ وَ ان افْتَيْتَ عُمَرَكَ فِي طَلْبِهِمْ

به دنبال دوستان با تقوا باش؛ ولو در تاریکی‌های زمین باشد و اگر چه عمرت را در این راه فنا کنی.

بازدارنده از بدی‌ها

علی علیه السلام می‌فرماید:

عليك بمُواخَاةِ مَنْ حَذَرَكَ:

با کسی دوستی کن که شما را از بدی‌ها بر حذر دارد.

کمک به طاعت خداوند

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

المُعِينُ عَلَى الطَّاعَةِ خَيْرُ الاصْحَابِ:

بهترین یاران، کمک‌کننده بر طاعت خداوند است.

صداقت و امانتداری

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

اِذَا رَأَيْتَ مِنْ أُخِيكَ ثَلَاثَ خِصَالٍ فَارْجِهْ: الْحَيَاءَ وَ الْاِمَانَةَ وَ الصِّدْقَ

اگر در دوست خود این سه خصلت را دیدی به او امید داشته باش: حیا، امانت و راستی.

رازنگهداری و عیب‌پوشی

امام علی علیه السلام فرمود:

انْ اخَاكَ حَقًّا مِّنْ... سَتَرَ عَوْرَتِكَ:

برادر و دوست حقیقی تو کسی است که... عیب تو را بپوشاند.

خردمندی

حضرت علی علیه السلام فرمود: «هرکس با خردمندان مصاحبت کند، بزرگ می‌شود.»

و البته کاملاً روشن است که دوستی با افرادی که خصوصیات بالا را نداشته باشند و یا خصوصیتی برخلاف آن داشته باشند توصیه نشده است.



نشریه اُسوه

دوهفته نامه سیاسی-مذهبی

صاحب امتیاز:

هیئت عاشقان ثارالله

مدیر مسئول:

دبیر هیئت عاشقان ثارالله

سردبیر:

سید محمد صادقی

گرافیک و صفحه آرایی:

سید محمد مهدی بازرگان

هیئت تحریریه:

میرکاظم سید اکبری

عرفان میرعالی

علی کمالی

علی اسدی جلودار

سید محمد موسوی

سید محمد صادقی

عطالله عطایی

محمدرضا صیدیان

سپهرمحمودی آذر

هادی پایدار

داوود قوی

محمد مهدی پور

مهدی غلامی